

« بررسی عدم آگاهی شهروندان نسبت به حقوق خود و تأثیر آن بر بی تفاوتی

اجتماعی در میان شهروندان شهر یاسوج »

زهرا برزگر^۱، شراره جوادی فر^۲، روزیتا محمدی مرادلو^۳، رویا فرهادی^۴

۱. دکتری جامعه شناسی گروه های اجتماعی، عضو باشگاه پژوهشگران جوان، دهقان، اصفهان، ایران.
۲. دانشجوی دکتری جامعه شناسی گروه های اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی دهقان، اصفهان، ایران.
۳. دانشجوی دکتری جامعه شناسی گروه های اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی دهقان، اصفهان، ایران.
۴. دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی دهقان.

چکیده: هدف از این پژوهش بررسی عدم آگاهی شهروندان نسبت به حقوق خود و تأثیر آن بر بی تفاوتی اجتماعی در میان شهروندان شهر یاسوج است. روش تحقیق در این پژوهش کمی و از نوع پیمایشی بوده و از ابزار پرسشنامه برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش شامل شهروندان شهر یاسوج بوده و نمونه آماری ۳۰۰ نفرند که به روش نمونه گیری سهمیه ای انتخاب شده اند. چارچوب مفهومی این پژوهش را نظریه هایی که حول نظریه ملوین سیمن در خصوص بیگانگی اجتماعی قرار می گیرند. همچنین در این پژوهش ارتباط متغیرهای مستقل میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی، محل سکونت، امنیت پایدار، وظایف و مسئولیت های شهروندان و متغیرهای زمینه ای (جنس، وضعیت تاهل، شغل، تحصیلات، درآمد، عدم پاسخ به ابهامات) با متغیر وابسته بی تفاوتی اجتماعی شهروندان یاسوج مورد آزمون قرار گرفتند که نتایج به دست آمده از آزمون متغیرهای زمینه ای به غیر از (جنس، وضعیت تاهل، محل سکونت، تحصیلات) نشان می دهد که بین متغیر میزان امنیت پایدار و نوع شغل با بی تفاوتی اجتماعی شهروندان رابطه وجود دارد. همچنین نتایج به دست آمده از آزمون متغیرهای مستقل با متغیر وابسته با توجه به مقادیر P جدول و نسبت های بحرانی نشان از معنادار بودن ارتباط متغیرهای مستقل با متغیر وابسته پژوهش بود. نتایج به دست آمده از مدل سازی معادله ساختاری پژوهش نشان می دهد که متغیر میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی با ضریب تأثیر ۹۹ درصد بیشترین تأثیر را بر بی تفاوتی اجتماعی افراد دارا است.

واژه های کلیدی: عدم آگاهی، شهروندان، بی تفاوتی اجتماعی، امنیت پایدار.

مقدمه

شهروندی (Citizenship) از مشتقات شهر (City) است. شهروندی را قالب پیشرفته‌ی «شهروندی» می‌دانند. به باور برخی از کارشناسان، شهروندان هنگامی که به حقوق یکدیگر احترام گذاشته و به مسئولیت‌های خویش در قبال شهر و اجتماع عمل نمایند به «شهروند» ارتقاء یافته‌اند. یک شهروند یک عضو رسمی یک شهر، ایالت یا کشور است. از دید شهری موضوع حقوق شهروندی، روابط مردم شهر، حقوق و تکالیف آنان در برابر یکدیگر و اصول و هدف‌ها و وظایف و روش انجام آن است. همچنین نحوه اداره امور شهر و کیفیت نظارت بر رشد هماهنگ شهر است که می‌توان بعنوان مهمترین اصولی بدانیم که منشعب از حقوق اساسی کشور است. در واقع حقوق شهروندی آمیخته‌ای است از وظایف و مسئولیت‌های شهروندان در قبال یکدیگر، شهر و دولت یا قوای حاکم و مملکت و همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه تامین آن حقوق بر عهده‌ی مدیران شهری (شهرداری)، دولت یا به طور کلی قوای حاکم می‌باشد. به مجموعه این حقوق و مسئولیت‌ها، «حقوق شهروندی» اطلاق می‌شود. در این پژوهش به بررسی عدم آگاهی شهروندان نسبت به حقوق خود و تأثیر آن بر بی تفاوتی اجتماعی در میان شهروندان شهر یاسوج پرداخته ایم. در مطالعات اجتماعی از مفهومی چون بی تفاوتی به عنوان یکی از آسیب‌های مهم در روابط انسانی یاد شده است؛ مفهومی که مصداق‌های آن در ذهن بسیاری از ما و بر اثر دیدن برخی رفتارها در جامعه نقش بسته و در واقع تجربه شده است. در متون جامعه‌شناسی از رفتار بی تفاوتی (Apathy) به عنوان پدیده‌ای آسیب‌شناختی یاد می‌شود که مانعی مهم در برابر مشارکت سیاسی و اجتماعی و نیز از پیامدهای شهروندی در دوران امروزی (مدرن) به شمار می‌رود. رشد صنعت و فناوری، توسعه ارتباطات اجتماعی، افزایش افسارگریخته جمعیت، جابجایی‌های بزرگ جمعیتی، گسترش شهروندی، همسایگی فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌های متفاوت، گسترش منطق خشک محاسبه‌گرایانه در سبک زندگی مدرن، عقلانی شدن رفتار و انتخاب انسان‌ها، تشدید فردگرایی، ضعف نهادها و اعتقادهای مذهبی، از بین رفتن هویت‌های گروهی و محلی از دید کارشناسان مسایلی است که به نوعی با بی تفاوتی ارتباط می‌یابد. بعلاوه عدم آگاهی شهروندان نسبت به حقوق خود، بر بی تفاوتی اجتماعی نقش خواهد داشت.

بیان مسأله

حقوق شهروندی هدیه الهی و جزو حقوق ذاتی و فطری انسان هاست. از صفات انسانی محسوب می‌شود، کسی نمی‌تواند هدیه کند، غیرقابل انتقال است، تقسیم‌ناپذیر است، عناصر آن لازم و ملزوم یکدیگر هستند، جهانی است؛ زیرا حق مسلم هر عضو خانواده بشری است و هر فرد در هر مکانی که باشد و از هر رنگ، نژاد، جنس، زبان و مذهبی که باشد استحقاق برخورداری از آن را دارد، حقوق شهروندی منبعث از تعالیم اسلام می‌باشد؛ این مفاهیم امروزه جهانی شده و ارزش معنوی پیدا کرده است. شهروندی امروزه کاربردها و معانی مختلفی یافته‌است. در واقع حقوق شهروندی آمیخته‌ای است از وظایف و مسئولیت‌های شهروندان در قبال یکدیگر، شهر و دولت یا قوای حاکم و مملکت و همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه تامین آن حقوق بر عهده‌ی مدیران شهری (شهرداری)، دولت یا به طور کلی قوای حاکم می‌باشد. به مجموعه این حقوق و مسئولیت‌ها، «حقوق شهروندی» اطلاق می‌شود. شهروندی اشاره به زندگی روزمره، فعالیتهای فردی و کسب و کار افراد اجتماع و همچنین فعالیتهای اجتماعی ایشان دارد و بطور کلی مجموعه‌ای از رفتار و اعمال افراد در برابر مکان زندگی است. در این پژوهش ما به بررسی عدم آگاهی شهروندان از حقوق خود و تأثیر آن بر بی تفاوتی اجتماعی پرداختیم. بی تفاوتی، رفتاری است که به عنوان یک آسیب مهم اجتماعی در جوامع مدرن مورد توجه جامعه‌شناسان قرار گرفته است. آنچه از نظریه و افکار جامعه‌شناسان نامدار گفته شد بر پایه مطالعه، بررسی و پژوهش‌هایی است که در جوامع غربی صورت گرفته است و از این رو تحلیل این رفتار در جامعه‌ای چون ایران به کاوش‌های بومی نیز نیازمند است. به باور برخی صاحب‌نظران، مسأله‌ای چون بی تفاوتی در ایران و شماری از کشورهای در حال توسعه، از پیامدهای وضعیت «آنومیک» است؛ وضعیتی که جوامع در حال گذار از وضعیت سنتی به مدرن، به واسطه گسست از هنجارهای اقتصادی و اجتماعی، چالش‌های هویتی و جریان‌نوسازی به آن دچار می‌شوند. با توجه به آنچه

گفته شد، پژوهش های عمیق، کاربردی و علمی برای شناخت ویژگی های اجتماع و آسیب های آن از جمله بی تفاوتی موضوعی است که اهمیتی فراوان می یابد. بی تفاوتی و ابعاد آن شامل بی تفاوتی در علاقمندی، بی تفاوتی در رأی گیری (دین، ۱۹۶۰: ۱۸۸) به عنوان یکی از پدیده های اجتماعی عنوان می شود که در فرهنگ اکثر کشورهای دنیا در قالب یک مسأله اجتماعی شناخته شده و عمومیت پیدا کرده است. کناره گیری افراد و بی توجهی آنها نسبت به محیط افراد، دلسردی و بیگانگی نسبت به مسایل اجتماعی از موضوعاتی هستند که در محافل اجتماعی و سیاسی مورد توجه بسیاری از اندیشمندان اجتماعی بوده به طوری که بی توجهی نسبت به این موارد بستر ساز بی تفاوتی و نهایتاً پوچی در بین افراد جامعه به حساب آمده است (روزنبرگ، ۱۹۵۵: ۳۴۹). پژوهش حاضر در مقام پاسخگویی به این سؤال است که عدم آگاهی از حقوق شهروندی چه تأثیری بر بی تفاوتی اجتماعی در میان شهروندان شهر یاسوج دارد؟ و آیا بین عدم آگاهی از حقوق شهروندی و بی تفاوتی رابطه ای وجود دارد؟

تحقیقات انجام شده

- کلانتری و همکاران (۱۳۸۶) به بررسی بی تفاوتی و نועدوستی در جامعه شهری ایران و عوامل مؤثر بر آن پرداخته اند. این پژوهش به روش پیمایش علی-مقایسه ای و طی دو مرحله انجام شده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد اولاً در مواجهه به حالت های اضطراری ۷۵/۳ درصد از شهروندان نועدوست و ۲۴/۷ درصد بی تفاوتند. به علاوه گروه نועدوست در مقایسه با گروه بی تفاوت دارای همدلی بیشتر، مسئولیت پذیری بیشتر و تحلیل هزینه - پاداش مادی کمتر است. یافته های این پژوهش با توجه به نتایج مطالعات پیشین مورد بحث قرار گرفته و نشان داده شد، که با افزایش همدلی، افزایش مسئولیت پذیری و کاهش تحلیل هزینه پاداش مادی در بین شهروندان می تواند نועدوستی را افزایش و بی تفاوتی را کاهش داد.
- المیز جاجی (۲۰۰۱)، در پژوهشی با عنوان سنجش بی تفاوتی سیاسی مردم شهر پکن عوامل مؤثر و اثر متغیرهای گوناگون زمینه ای و مستقل مانند رضایت اجتماعی، احساس اثربخشی، موقعیت اجتماعی - شغلی و وابستگی حزبی - سیاسی بر روی بی تفاوتی سیاسی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصله حاکی از وجود رابطه ی معنی دار میان این متغیرها بوده است.
- محسنی تبریزی و همکاران (۱۳۹۰)، در پژوهشی با عنوان «پژوهشی درباره بی تفاوتی اجتماعی در ایران» هدف کار خود را شناسایی چگونگی بی تفاوتی اجتماعی در میان شهروندان تهرانی به روش پیمایشی انجام داد. ایشان در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که میان متغیرهای قومیت، شغل، تحصیلات از صفات زمینه ای و بین تمامی متغیرهای مستقل اصلی، یعنی بی هنجاری (آنومی)، اعتماد اجتماعی، اثربخشی اجتماعی، رضایت اجتماعی، محرومیت نسبی، فردگرایی، تحلیل هزینه - پاداش و التزام مدنی با بی تفاوتی اجتماعی رابطه معنی داری به دست آمد. بر اساس یافته های تحقیق معلوم شد که بی تفاوتی اجتماعی در شهروندان تهرانی در میزان بالاتر از حد متوسط وجود دارد.

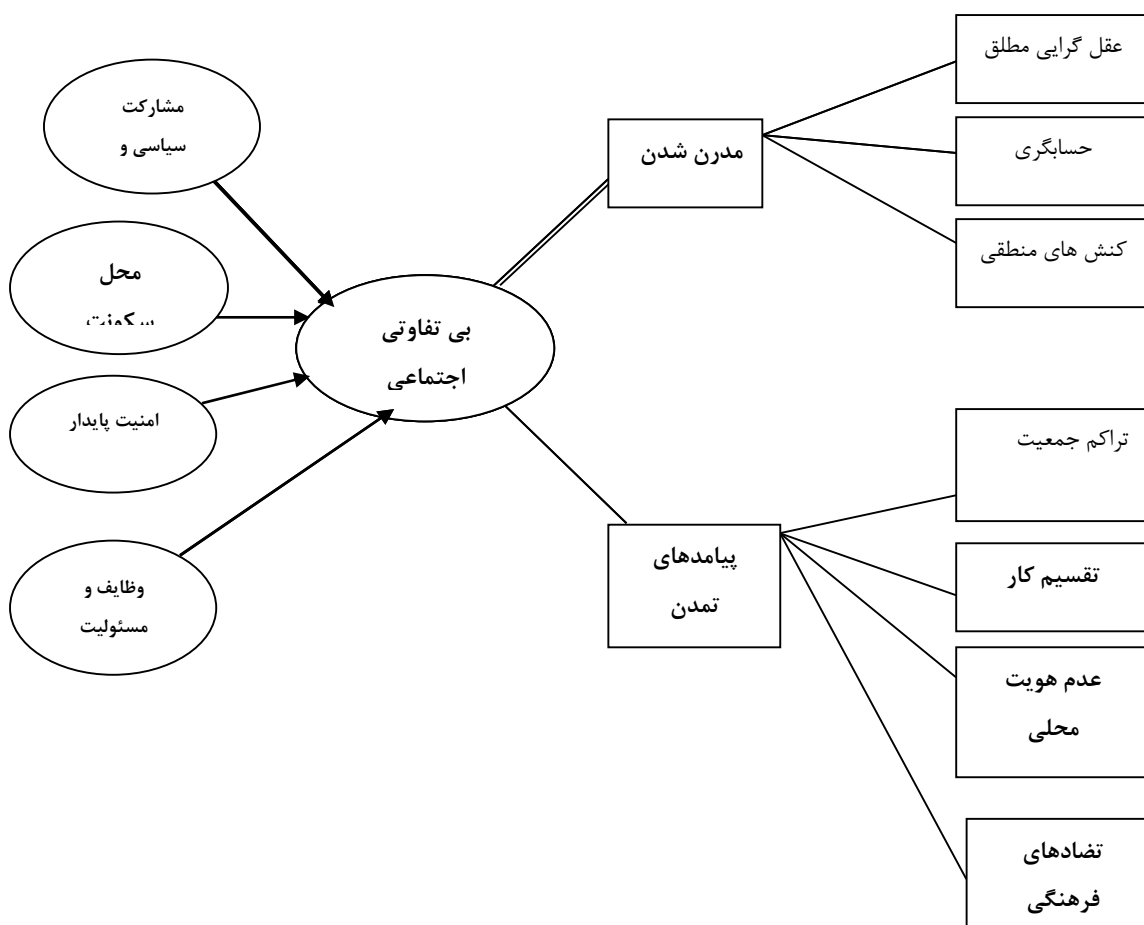
چارچوب نظری

در تعریف جامعه شناختی مفهوم بی تفاوتی از مشارکت و درگیری نام می برند (مسعودی نیا، ۱۳۸۰). از این رو بی تفاوتی با عزلت گزیدن و فقدان مشارکت در حد انتظار، هم معنی قرار گرفته است. برخی دیگر نیز نועدوستی را در مقابل بی تفاوتی قرار داده و به تحلیل و پژوهش در باب آن پرداخته اند (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۶). برخی نیز بی تفاوتی اجتماعی را مترادف با

عزلت گزینی، بی‌علاقگی و عدم مشارکت افراد در اشکال متعارف اجتماعی معنا کرده و در تحلیل خود آن را مقابل علاقه اجتماعی درگیری در فعالیت‌های اجتماعی، روانشناختی و سیاسی قرار داده‌اند (دث والف، ۲۰۰۰). جامعه‌شناسان از زاویه‌های گوناگونی به مساله بی‌تفاوتی نگریسته و تحلیل‌های مختلفی را در این باره ارائه کرده‌اند. از دید «تد رابرت گر» دانشمند معاصر آمریکایی مطالعات اجتماعی، محرومیت نسبی افراد که نتیجه آگاهی آنان نسبت به موقعیت نامطلوب و نیز همسنگی موقعیت فرد با دیگران است می‌تواند ریشه بی‌تفاوتی اجتماعی را آبیاری کند. در فضای محروم انگاری خویشتن، احساس‌هایی چون نارضایتی، ناامیدی، افسردگی و ناکامی با بی‌تفاوتی در هم می‌آمیزد. «والتر لیپمن» روزنامه‌نگار برجسته آمریکایی در سده گذشته، عقیده دارد مشکلات و گرفتاری‌های روزمره افراد برای دیگران توجه برانگیز است، ولی نوعی فردگرایی نسبت به مسایل بیرونی به صورت مزمن بر رفتار مردم حاکم شده است که مانع کنشگری مشارکتی آنان می‌شود. در کنار این نظرها، «هارولد ویلنسکی» متخصص آمریکایی جامعه‌شناسی سازمانی در سال‌های گذشته، سالخوردگی و افزایش تمایلات محافظه‌کارانه را از مهمترین دلایل بی‌تفاوتی برشمرده است. از مهمترین و شاخص‌ترین جامعه‌شناسانی که در مورد رفتار بی‌تفاوتی به علت جویی پرداخته‌اند، می‌توان به «امیل دورکیم» فرانسوی اشاره کرد. دورکیم که در سال‌های سده نوزدهم و ابتدای سده بیستم می‌زیسته است، برخی پیامدهای تمدن در زندگی اجتماعی را ریشه رفتار بی‌تفاوتی شهروندان می‌داند. به باور دورکیم، ویژگی‌های زندگی متمدن همچون تراکم جمعیت، تقسیم کار، از بین رفتن هویت‌های محلی و نیز تضادهای فرهنگی می‌تواند سبب ایجاد وضعیتی شود که در آن، جامعه مدرن شده به سمت فردگرایی شدید و درگیری با پیامدهایی چون بی‌تفاوتی، افسردگی، خودکشی و ... حرکت کند. «کارل مارکس» بنیانگذار سوسیالیسم انقلابی، ریشه بی‌تفاوتی را در ویژگی‌های اقتصادی جوامع لیبرال و سرمایه‌داری جست و جو می‌کند؛ جامعه‌ای که به گفته مارکس کارگران در آن نسبت به همکاران، فرایند تولید، ابزارهای آن و نیز ثروت‌سازی، بیگانه شده‌اند. در برابر این دیدگاه سوسیالیستی، «ریچارد استرلین» اقتصاددان آمریکایی در سده پیشین، رقابت‌های مزمن بر سر فرصت‌ها و امکانات محدود در جامعه و نیز ناکامی در برآورده‌سازی خواست‌ها و اهداف فردی در یک نسل را عامل سرخوردگی و سپس بی‌تفاوتی سیاسی و اجتماعی شهروندان آن نسل بر می‌شمرد. استرلین تأکید می‌کند که این رفتار در همسنگی با یک نسل کامیاب‌تر و مرفه‌تر از نسل سرخورده نمود می‌یابد. همچنان که گفته شد، ویژگی جوامع نو، کنش عقلایی، معطوف به هدف و نیز بهینه‌جو است که مانع از درگیری‌های بی‌فایده شهروندان می‌شود. از این رو، در جامعه نوین افراد به طور خودکار بی‌تفاوت‌بار می‌آیند. در برابر نظریه پردازانی که ریشه بی‌تفاوتی را در ویژگی‌های سبک زندگی نوین و ساختار جوامع متمدن جست و جو می‌کنند، «دانیل لرنر» نظریه پرداز معاصر و شناخته‌شده آمریکایی، ویژگی‌های جوامع مدرن را زمینه‌ساز افزایش «همدلی» (Empathy) می‌داند که نقطه مقابل بی‌تفاوتی است. لرنر برای سنجش میزان مشارکت از مفهوم همدلی سود جسته است؛ به معنای اقدامی که با هدف ارتباط با دیگران، درک «من» دیگری یا پیش‌بینی حدود و توانایی‌های شهروندان صورت می‌گیرد. به باور لرنر در جوامع مدرن که سطح آگاهی، آموزش و دانش عمومی افراد بالا است، احتمال رفتارهای مشارکتی برآمده از همدلی شهروندان افزایش می‌یابد. در زمینه بررسی سیر رشد جوامع، «دیوید رایزمن» جامعه‌شناس و استاد آمریکایی رشته ارتباطات در سال‌های گذشته، به سه مرحله رشد اشاره کرده است. رایزمن در کتاب مشهورش به نام «انبوه تنها» اولین مرحله رشد جوامع را شکل‌گیری جوامع سنتی دانسته که بر آن جبر سنتی حاکم است و بین اعضای آن ارتباطات عاطفی جدی و محکم وجود دارد. در سیر پویای جوامع سنتی به سمت مدرن شدن، جامعه وارد وضعیت دوم می‌شود. در این وضعیت، افراد به دلیل مشخص نبودن سرنوشت و آینده تحولات و بی‌ثباتی موجود در وضعیت گذار، ناگزیر به تمرکز بر حفظ منافع و مصالح فردی و در نتیجه به طور

شدیدی فردگرا می شوند. در این نوع جامعه، ویژگی هایی چون عقل گرایی مطلق، حسابگری و کنش های منطقی بر پایه هزینه - فایده تشدید می شود و بی تفاوتی به اوج خود می رسد. در مرحله سوم، جامعه برون نگر شکل می گیرد. در این جامعه افراد از لاک فردگرایی خارج می شوند و به سمت جمع گرایی و توده ای شدن حرکت می کنند. در مرحله سوم رشد، جوامع زیر تاثیر نهادها، محافل جمعی و به ویژه رسانه ها هستند؛ رسانه هایی که کارکرد اصلی آن ها همسان سازی است. در جامعه همسان شده، مفهومی با عنوان انبوه تنها شکل می گیرد؛ به این معنا که فرد در جامعه حضور دارد، جزیی از آن به شمار می رود و حتی در آن حل شده است اما شناخت درستی از جامعه و دیگر اعضای آن ندارد و به شکل موجودی منفعل (واکنشی) و تاثیر پذیر در می آید. در این شرایط، مشارکت افراد به فرایندهایی چون حضور پای صندوق های رای محدود و کارکردهایی چون همیاری اجتماعی نادیده گرفته می شود.

مدل پژوهش



فرضیه های تحقیق در این پژوهش عبارتند از :

- بین میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی و بی تفاوتی اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد.
- بین محل سکونت و بی تفاوتی اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد.
- بین امنیت پایدار و بی تفاوتی اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد.
- بین وظایف و مسئولیتهای شهروندان و بی تفاوتی اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد.
- به نظر می رسد بین متغیرهای زمینه ای (جنسیت، وضعیت تأهل و ...) و بی تفاوتی اجتماعی رابطه ای وجود دارد.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش پیمایشی است . جامعه آماری در این پژوهش شامل شهروندان ۱۶ تا ۴۵ سال شهر یاسوج است. توزیع جمعیت بر اساس جنس و سن در جدول مشخص شده است .

جنسیت	سن	فراوانی
مرد	۱۶-۲۵	۴۵
	۲۶-۳۵	۸۴
	۳۶-۴۵	۵۱
زن	۱۶-۲۵	۳۰
	۲۶-۳۵	۵۸
	۳۶-۴۵	۳۲
جمع		۳۰۰

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده ها از آمار استنباطی و تحلیل توصیفی استفاده شده است که در تحلیل توصیفی با استفاده از جدول فراوانی محاسبه میانگین به توصیف داده ها پرداخته شد و در بخش آمار استنباطی با استفاده از نرم افزار Spss و Graphic داده های گردآوری شده مورد تجزیه و تحلیل و پردازش قرار گرفته است . همچنین در فرایند تحقیق از روش های آماری ضریب همبستگی و کرامر و مدلسازی معادله ساختاری بهره گرفته شده است.

در این تحقیق برای برآورد روایی از مدل های تحلیل عاملی تأییدی و برای سنجش پایایی از آلفای کرونباخ برای تمامی متغیرها بالای ۷۰ است و تمامی متغیرها از پایایی قابل قبولی برخوردارند.

ضرایب آلفای کرونباخ متغیرهای مختلف تحقیق

ردیف	نام متغیر	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
۱	بی تفاوتی اجتماعی	۱۶	.78
۲	محل سکونت	6	.74
۳	امنیت پایدار	۸	.82
۴	مشارکت سیاسی و اجتماعی	7	.80
۵	وظایف و مسئولیت	۹	.73
۶	عدم هویت محلی	۸	.68

یافته های استنباطی

یافته های توصیفی: یافته های توصیفی تحقیق نشان می دهد که از تعداد کل پاسخگویان ۳۰۰ نفر بوده اند، ۱۲۰ نفر (۴۰٪) زن و ۱۸۰ نفر (۶۰٪) مرد بوده اند و پایین ترین سن پاسخگویان ۱۶-۲۵ سال بیشترین فراوانی (۶۳٪) و بالاترین سن ۴۵ سال کمترین فراوانی (۵۲٪) را به خود اختصاص داده است. همچنین از ۳۰۰ نفر پاسخگو، ۱۷۲ نفر مجرد (۵۷/۳) درصد و ۱۲۸ نفر (۴۲/۶) درصد متأهل بوده اند. بیش ترین فراوانی مربوط به مقطع فوق دیپلم و دیپلم یعنی ۱۱۶ نفر (۳۸/۶) درصد و کمترین میزان مربوط به مقطع فوق لیسانس و دکتری ۴ نفر (۱/۳) درصد بوده است. همچنین نتایج به دست آمده از وضعیت اشتغال پاسخگویان نشان می دهد که بیش ترین دارای شغل های آزاد با (۴۸٪) درصد و کمترین میزان کارمندان بخش دولتی با میزان ۱۴/۶ درصد است. نتایج بدست آمده از وضعیت درآمد پاسخگویان نشان می دهد که بیشترین فراوانی بین ۸۰۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰۰ هزار تومان (۳۲٪) درصد و کمترین فراوانی ۱۵۰۰۰۰۰ تومان به بالا است.

در این قسمت از تحقیق برای آزمون متغیرها و فرضیه های تحقیق، تحلیل های دو متغیره تحقیق صورت خواهد گرفت و با استفاده از تکنیک های آمار استنباطی مثل ضریب همبستگی پیرسون (Pearson) و تحلیل رگرسیون به بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته و بررسی فرضیه های تحقیق خواهیم پرداخت.

آزمون فرضیه های تحقیق:

همانگونه که بیان شد رابطه بین میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی و بی تفاوتی اجتماعی و متغیرهای تأثیر گذار در قالب فرضیه های تحقیق مطرح گردید که در ادامه به بررسی آنها می پردازیم.

نتایج ضریب همبستگی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته

ضریب همبستگی (r)	سطح معناداری (sig)	متغیرهای مستقل	بی تفاوتی اجتماعی
0/590	0/001	میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی	
0/420	0/001	محل سکونت	
0/360	0/001	امنیت پایدار	
0/442	0/001	وظایف و مسئولیت	

همانگونه که در جدول ضرایب همبستگی مشاهده می شود بین میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی و بی تفاوتی اجتماعی رابطه ای وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون ($r=0/59$) و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد ($sig=0/001$) می توان گفت رابطه مستقیم و معناداری بین میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی و بی تفاوتی اجتماعی وجود دارد یعنی هر چه میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی کمتر باشد، می تواند منجر به بی تفاوتی اجتماعی آنها بیانجامد. همچنین به نظر می رسد بین محل سکونت و بی تفاوتی اجتماعی رابطه ای وجود دارد. برای آزمون این فرضیه نیز از ضریب همبستگی پیرسون استفاده کردیم. با توجه به نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون ($r=0/420$) و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می توان گفت رابطه مستقیم و معناداری بین محل سکونت و بی تفاوتی اجتماعی وجود دارد، یعنی هر چه محل سکونت بهتر باشد، بی تفاوتی اجتماعی آنان پایین تر است. داده های جدول نیز بیانگر آن است که بین امنیت پایدار و بی تفاوتی اجتماعی رابطه ای وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده کردیم. با توجه به مقدار ضریب همبستگی ($r=0/36$) و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد ($sig=0/001$)، می توان نتیجه گرفت که رابطه مستقیم و معناداری بین امنیت پایدار و بی تفاوتی اجتماعی وجود دارد. یعنی هر چه امنیت پایدار پایین تر باشد، میزان بی تفاوتی اجتماعی از رشد قابل ملاحظه ای برخوردار است. همچنین بین وظایف و مسئولیت و بی تفاوتی اجتماعی رابطه ای وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده کردیم. با توجه به مقدار مثبت ضریب همبستگی ($r=0/44$) و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد ($sig=0/001$)، می توان نتیجه گرفت که رابطه مستقیم و معناداری بین وظایف و مسئولیت و بی تفاوتی اجتماعی وجود دارد، یعنی هر چه میزان وظایف و مسئولیت بالاتر باشد، میزان بی تفاوتی اجتماعی کمتر است. در جدول زیر به بررسی رابطه بین متغیرهای دیگر و فرهنگ فقر شهروندان پرداخته شده است.

نتایج رابطه آماری متغیرهای زمینه ای با بی تفاوتی اجتماعی

متغیرهای زمینه ای تحقیق	سطح معناداری	بی تفاوتی اجتماعی
جنسیت	0/134	
سطح تحصیلات	0/216	

.349/	وضعیت تأهل	
.152/	نوع شغل	
.021/	درآمد	
.16/	عدم پاسخ به ابهامات	

نتایج به دست آمده از آزمون متغیرها در جدول بالا نشان می دهد که بین جنسیت و بی تفاوتی اجتماعی ، رابطه معناداری ($\text{sig} = .134$) وجود ندارد.

با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون ضریب گاما و مقدار ($\text{sig} = .216$) رابطه معناداری بین دو متغیر سطح تحصیلات و بی تفاوتی اجتماعی نیز وجود ندارد.

همچنین با توجه به نتایج به دست آمده از ضریب کرامر و مقدار $\text{sig} = .349$ ، بین وضعیت تأهل و بی تفاوتی اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد.

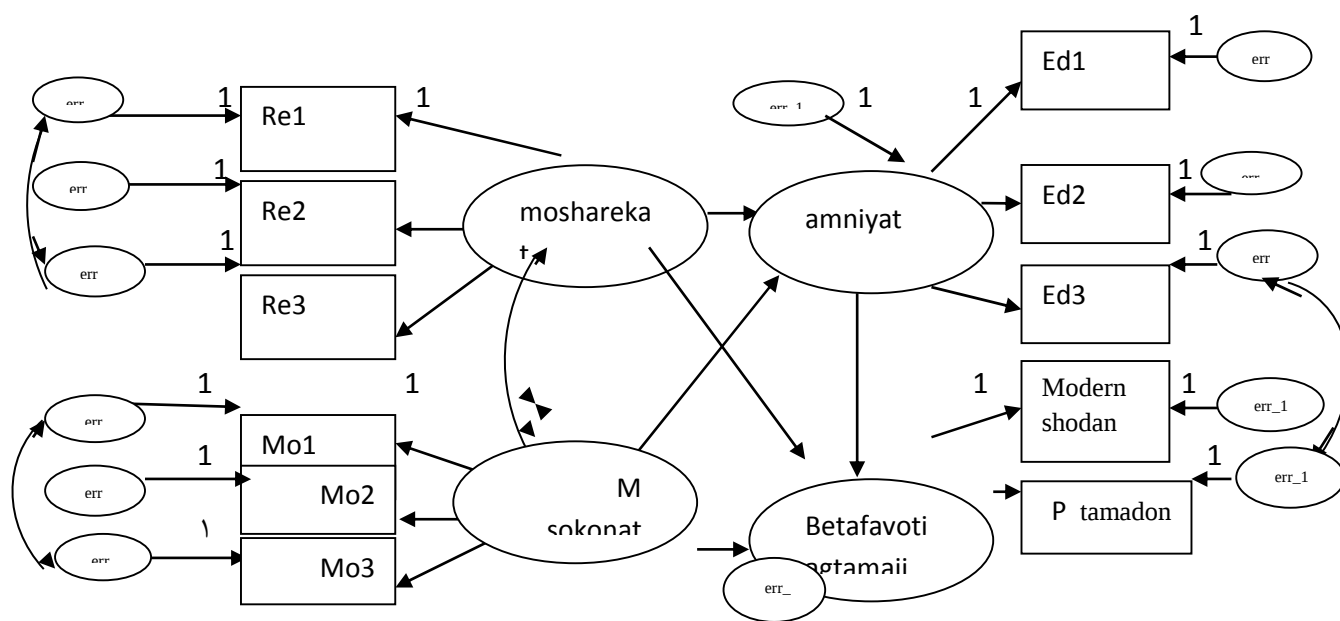
نتایج به دست آمده از ضریب کرامر و مقدار $\text{sig} = .152$ ، گویای رابطه معناداری بین دو متغیر نوع شغل و بی تفاوتی اجتماعی است .

درآمد نیز با توجه به نتایج به دست آمده از ضریب کرامر و مقدار $\text{sig} = .21$ ، تأثیر معناداری بر بی تفاوتی اجتماعی است.

در نهایت با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون ضریب کرامر و مقدار $\text{sig} = .16$ ، بین سن و بی تفاوتی اجتماعی رابطه معناداری وجود وجود ندارد.

مدل معادله ساختاری

به منظور تعیین شدت و تأثیر متغیرهای مستقل بر میزان فرهنگ فقر شهروندان در وضعیت های مختلف از یک مدل معادله ساختاری بهره گرفته شده است که این مدل معادله ساختاری از نوع مدل و انواعی از متغیرها تشکیل شده است. دو نوع مدل تشکیل دهنده مدل معادله ساختاری عبارتند از : ۱- مدل اندازه گیری ۲- مدل ساختاری. یک مدل اندازه گیری جزئی از مدل ساختاری است که نحوه سنجش یک متغیر پنهان را با استفاده از دو یا تعداد بیشتری متغیر مشاهده شده تعریف می کند . همچنین می توان گفت در مدل اندازه گیری مشخص می شود که تعداد متغیرهای مشاهده شده برای یک متغیر پنهان تا چه حد تحت تأثیر متغیر پنهان مورد نظر و متغیر خطا هستند.



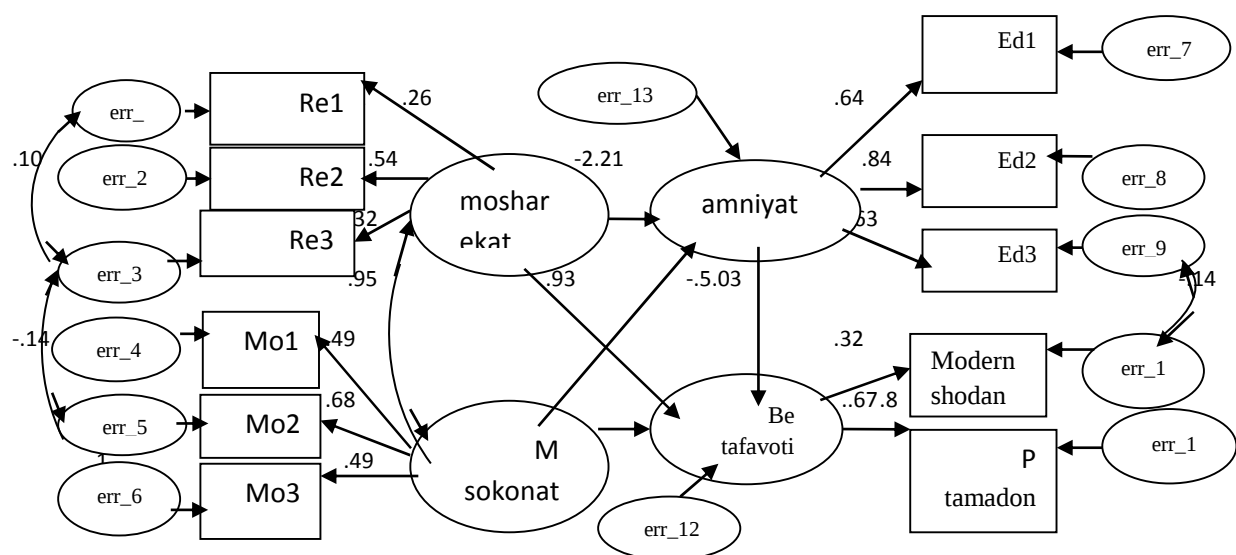
در این مدل، ۱۱ متغیر مشاهده شده وجود دارد که متغیرهای مشاهده شده MO1 تا MO3، معرف های متغیر پنهان محل سکونت و متغیرهای مشاهده شده Re1 تا Re3 معرف های متغیر پنهان مشارکت سیاسی و اجتماعی و متغیرهای مشاهده شده Ed1 تا Ed3، معرف های متغیر پنهان میزان امنیت پایدار هستند. متغیرهای خطای $err_1, \dots, err_9$ ، نماد خطای اندازه گیری ۹ متغیر مشاهده شده برای متغیرهای مستقل محل سکونت، مشارکت سیاسی و اجتماعی و میزان امنیت پایدار هستند. همچنین متغیرهای مشاهده شده مدرن شدن و پیامدهای تمدن معرفهای متغیر پنهان بی تفاوتی اجتماعی که متغیر وابسته نهایی است هستند. متغیرهای err_{10} و err_{11} نمادهای خطای اندازه گیری متغیرهای مشاهده شده مدرن شدن و پیامدهای تمدن هستند. رابطه متغیرهای مستقل محل سکونت، مشارکت سیاسی و اجتماعی و میزان امنیت پایدار، با بی تفاوتی اجتماعی یک سویه است.

جدول شماره (۵): جدول متغیرهای موجود در مدل معادله ساختاری

نام متغیر	تعداد شاخص ها	نماد ترسیمی
محل سکونت	۳	MO1, MO2, MO3

Re1,Re2,Re3	۳	مشارکت سیاسی و اجتماعی
Ed1,Ed2, Ed3	۳	امنیت پایدار
خلاقیات ، اخلاقیات	۲	بی تفاوتی اجتماعی

معادله ساختاری برای تبیین فرهنگ فقر شهروندان با خروجی و ضرایب استاندارد



در مدل بالا با توجه به جهت پیکانها از سمت متغیر پنهان به سمت متغیر مشاهده شده که معرف آن متغیر پنهان است، بیانگر این نکته روش شناختی است که نمره هر پاسخگو در متغیر مشاهده شده، تحت تأثیر وضعیتی است که آن پاسخگو در متغیر پنهان زیر بنایی مرتبط با متغیر مشاهده شده دارد. برای مثال در این مدل، متغیرهای پنهان ما شامل: محل سکونت، مشارکت سیاسی و اجتماعی و امنیت پایدار هستند که هر کدام با سه دسته از متغیرهای پنهان (MO)، (Re)، (Id)، (Ed) در مدل مشخص شده اند. حال پاسخگویی به متغیر مشاهده شده (MO)، (Re)، (Id)، (Ed) تعیین خواهد کرد که متغیرهای محل سکونت، مشارکت سیاسی و اجتماعی و امنیت پایدار در چه موقعیتی قرار دارد. به عبارت دیگر، وزنی که MO1 تا MO3 در مدل پژوهش دارند، تعیین کننده محل سکونت است. حال در متغیر پنهان ما؛ یعنی محل سکونت، اثر MO1 با ضریب تأثیر 75/0. نشان می دهد که محل سکونت بیشترین توان تحلیل MO1 یا (شاخص های دسته اول محل سکونت) را با بالاترین ضریب دارد. همچنین در این مدل مقدار ضرایب تأثیر بین متغیرهای پنهان پژوهش به صورت استاندارد محاسبه شده است که بیشترین ضریب تأثیر بین محل سکونت و مشارکت سیاسی و اجتماعی به میزان 99/0. مشاهده شد و کمترین ضریب تأثیر را رفتار میزان وظایف و مسئولیتهای شهروندان با بی تفاوتی اجتماعی به

میزان ۰/۰۳ دارد. در کل مجموعه برآورد استاندارد برای وزن های رگرسیونی شامل بارهای عاملی و ضرایب تأثیر در این مدل مشاهده می شود و برآورد انجام شده برای ضرایب تأثیر نشان می دهد که اثر شاخص های محل سکونت، مشارکت سیاسی و اجتماعی و امنیت پایدار و میزان وظایف و مسئولیتها بر بی تفاوتی اجتماعی معنادار است. البته مثبت بودن ضرایب تأثیر متغیرهای مستقل بر وابسته نشان از تأیید مدل دارد و در کل مثبت بودن تمامی ضرایب همبستگی در مدل، نتیجه ای منطقی و قابل قبول است.

برازش مدل

برای بررسی مدل از شاخص های برازش استفاده می شود. شاخص های برازش مقادیری آماری ای را به دست می آورند که محقق را در تصمیم گیری نسبت به تشخیص یا انتخاب مدل مناسب تر، یاری می کنند. همچنین شاخص های برازش گویای این واقعیت است که داده های پژوهش از شاخص ها و متغیرهای تحقیق حمایت می کنند. شاخص های برازش زیادی وجود دارند، اما پرکاربردترین آنها که در عین حال، پایه و اساس دیگر شاخص ها محسوب می شود کای اسکور است. هر چه مقدار مجذور کای به صفر نزدیکتر باشد، نشان دهنده برازش بهتر مدل است. از آنجا که مقدار کای تحت تأثیر حجم نمونه و تعداد روابط مدل قرار می گیرد و مقدار آن بزرگ می شود، بنابراین با اتکا بر مقدار مجذور کای نمی توان به نتایج مطلوب دست یافت. در نتیجه در کنار این شاخص، از شاخص های دیگری نیز برای برازش مدل ها استفاده می شود. شاخص های دیگری که برای از میان برداشتن این محدودیت مجذور کای معرفی شده، شاخص های $df/1$ است که اگر کوچکتر از ۳ باشد، نشانگر برازندگی الگوست. بر اساس قاعده کلی، شاخص های نیکویی برازش (GFI)، نیکویی برازش تعدیل کننده (AGFI)، برازندگی تطبیقی (CFI)، نرم شده برازندگی (NFI) و نرم شده برازندگی (NNFI) برای مدل های خوب بین ۰/۹۰ تا ۰/۹۵ تفسیر می شوند و مقادیر بالای ۰/۸ نیز نشان دهنده برازش نسبتاً خوب مدل است. همچنین شاخص ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب (RMSEA) که لوهین (۲۰۰۴) برای برازندگی این شاخص، پیشنهاد کرد که در صورتی که کوچکتر از ۰/۰۸ باشد، نشانگر برازندگی خوب، ۰/۸ تا ۰/۱ نشانگر برازندگی قابل قبول و مقادیر نزدیک تر به صفر نشانگر بیشترین برازندگی است. در جدول ۴-۲۰ (جدول نتایج تحلیل عامل مرتبه اول برای ساختار چهار عاملی) نشان داده شده است. نسبت کای اسکور به درجه آزادی CMIN/DF برای قضاوت درباره مدل و حمایت داده ها از شاخص های مدل مقدار ۶.۶۳۰ است و مقدار نزدیک به ۱ و بالاتر از آن نشان از برازش خوب مدل است. مقادیر دیگر در جدول زیر به اختصار آمده است.

جدول شماره ۶: شاخص های برازندگی مدل

شاخص ها	مقدار	شاخص ها	مقدار	شاخص ها	مقدار
CMIN	92/97	GFI	۰/۹۶	CFI	۰/۹۳
RMSEA	۰/۰۶۳	AGFI	۰/۹۳	NFI	۰/۹۰
CMIN/DF	2/60	IFI	۰/۹۴	TLI	۰/۹۰

نتیجه و پیشنهاد

به اعتقاد کارشناسان امور اجتماعی و جامعه‌شناسان شهرنشینان زمانی که به حقوق یکدیگر و قوانین اجتماعی احترام می‌گذارند و به مسئولیت‌های خویش در قبال شهروندان دیگر و اجتماع عمل می‌نمایند به شهروند ارتقا می‌یابند. مفهوم "شهروند" نه تنها در جامعه‌ی شهری بلکه در جامعه‌ی استانی و کشوری هم قابل تعریف است و همچنین با توجه به پیشرفت‌های تکنولوژی ارتباطات می‌توان "شهروندی" را برای جامعه‌ی جهانی نیز در نظر گرفت. یک شهروند یک عضو رسمی یک شهر، ایالت یا کشور است. این دیدگاه، حقوق و مسئولیت‌هایی را به شهروند یاد آور می‌شود که در قانون پیش‌بینی و تدوین شده‌است. ما در این پژوهش به بررسی عدم آگاهی شهروندان نسبت به حقوق خود و تأثیر آن بر بی‌تفاوتی اجتماعی در میان شهروندان شهر یاسوج پرداختیم که عوالی که بر بی‌تفاوتی اجتماعی تأثیرگذار بودند عبارت بودند از: میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی، محل سکونت، امنیت پایدار و وظایف و مسئولیت‌های شهروندان. بی‌تفاوتی اجتماعی یک عامل مهم در کند کردن روند توسعه اجتماعی و فرهنگی هر جامعه است و اگر این بعد توسعه دچار ضعف گردد قطعاً توسعه هم‌جانبه و پایدار که دارای ابعاد اقتصادی و سیاسی نیز است دچار کاستی خواهد شد. عدم حضور، مشارکت، نظارت و تعلق اجتماعی و فرهنگی در بین مردم ما که تعبیر به بی‌تفاوتی اجتماعی می‌شود دو نقش علت و معلولی در حوزه‌های آسیب‌شناسی و جامعه‌شناسی اجتماعی دارد. قطعاً ضرورت این مسئله باید به عنوان یک آسیب اجتماعی مورد توجه و نگرانی مسئولین و برنامه‌ریزان اجتماعی و فرهنگی قرار گرفته و اگر این روند حالت زیر زمینی پیدا کند در ادامه می‌تواند در موقع لزوم به شکل طغیان اجتماعی باعث آسیب‌ها و معضلات اجتماعی و بعضاً سیاسی شود. نتایج این پژوهش بر یک رابطه خطی و مستقیم بین محل سکونت، میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی، امنیت پایدار و وظایف و مسئولیت‌های شهروندان با بی‌تفاوتی اجتماعی حکایت دارد. برداشتی که از مفاهیم در میان شهروندان می‌شود این مسأله را به وجود می‌آورد که شاخص‌های بی‌تفاوتی اجتماعی همان فهمی است که پاسخگو از گویه‌های پرسشنامه دارد و برای ریشه‌کنی بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران باید زمینه‌شناخت آگاهی از حقوق شهروندان را برای افراد به وجود آورد، این شناخت را باید هم در بعد زندگی فردی و هم زندگی اجتماعی ایجاد کرد و بدست آوردن این مسأله در یک جامعه میسر نیست جزء از طریق آموزش صحیح افراد و آشنا کردن آنها با مفهوم حقوق شهروندی، چرا که بدون شناخت و آگاهی، فطرت درونی انسانها می‌خشکد و طراوت زندگی از دست می‌رود. بنابراین، محل سکونت، میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی، امنیت پایدار و وظایف و مسئولیت‌های شهروندان در بی‌تفاوتی اجتماعی افراد نقشی بی‌بدیل دارد.

پیشنهادهای پژوهشی

- آموزش صحیح مفهومی تفاوتی اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی برای همه افراد جامعه.
- استفاده از روانشناسان و جامعه‌شناسان گروه‌های اجتماعی و مربیان امور تربیتی در بطن جامعه برای کمک به شناخت بهتر افراد در چگونگی سبک زندگی موفق.
- تشویق مردم به شرکت در مراسمات اجتماعی و گروهی و ارائه و معرفی چهره واقعی و پر عطا و مهربان دین در کمک به افراد ضعیف جامعه در جهت پیشرفت و خودکفایی.
- آشنا کردن الگوهای دینی (چهره و روش زندگی اهل بیت «ع») و معرفی به مردم از طریق وسایل ارتباط جمعی و شبکه‌های مجازی.

منابع

- کلانتری، صمد و ادیبی، مهدی و ربانی خوراسگانی، رسول و احمدی سیروس (۱۳۸۶)، بررسی بی تفاوتی و نعدوستی در جامعه شهری ایران و عوامل مؤثر بر آن، نشریه دانشور رفتار، دوره ۲۲، شماره ۸.
- محسنی تبریزی، علیرضا و صداقتی فرد، مجتبی (۱۳۹۰)، بی تفاوتی اجتماعی در شهر تهران، مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره ۲۲، شماره ۳.
- مسعودنیا، ابراهیم (۱۳۸۰) تبیین جامعه شناختی بی تفاوتی شهروندان در حیات اجتماعی و سیاسی، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شهریورماه، شماره ۱۶۸.

- Al . Mizjaji, A .(2001). Public apathy towards bureaucracy as a constraint on the development of Saudi Arabia . public Administration Quarterly , 25, 3/4 , ABI/Inform Global . p :270.
- Dean,D . (1969) . Social psychology (toward appreciation and replication) . Lowastare University . Randon House , New York.